



پنج شنبه 14 آبان 17 ذي القعدة 5 نوامبر

شهادت حاج ملا محمد تقی برغانی در سال 1263 هجری قمری...

شهادت حاج ملا محمد تقی برغانی در سال 1263 هجری قمری

حاج ملا محمد تقی برغانی قزوینی معروف به شهید ثالث از علمای بزرگ قرن سیزدهم هجری قمری در سال 1263 هجری قمری به شهادت رسید. این دانشمند شیعه مذهب در برغان متولد شد و در قزوین و قم و اصفهان ادبیات عرب و دروس حوزه را فراگرفت. و بعد از عزیمت به عتبات از شیخ جعفر کاشف الغطاء علوم دینی را آموخت. او بسیار زاهد و با تقوا بود و بیشتر اوقاتش را به ترویج احکام دین اختصاص می داد. عیون الاصول در اصول فقه، مجالس المتقین در مواضع، منهج الاجتهاد در شرح شرایع الاسلام از تألیفات او است. در مورد نحوه شهادت وی صاحب ریحان الادب آورده است که در اوایل ظهور فتنه بابیه و سال اول قدرت رسیدن ناصر الدین شاه سبب تدافعات دینی و مجاهدتهای این عالم اسلامی که از عادات فطری ایشان بود تصمیم به قتل وی گرفتند. ماجر از این قرار بود که شبی به حسب عادت معمول به مسجد رفت و مشغول فریضه نماز شد هنگامی که به مسجد رفت چند نفر از بای ها به وی هجوم آوردند و هشت نقطه از گردنش را به نیزه مجروح کردند و متواری شدند و حاج ملا محمد تقی برغانی پس از انتقال به منزلش بعد از دو روز به رحمت ایزدی پیوست و در جوار شاهزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد.

درگذشت میرزا اشرف جهان قزوینی شاعر در سال 968 هجری قمری

میرزا اشرف جهان قزوینی شاعر نامدار ایران در سال 968 هجری قمری در قریه کوهپایه قزوین دیده از جهان فروبست و در آرامگاه شازده حسین به خاک سپرده شد میرزا اشرف جهان از همان آغاز جوانی ذوق و استعداد خود را در شاعری با سرودن اشعار نغز و شیوا نشان داد. وی که از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی بود سلسله نسبش به امام حسین (ع) می رسد. پدرش میرزا نور الهدی معروف به قاضی جهان مدتی وزیر اعظم دربار شاه طهماسب اول بود اشرف جهان مانند پدرش مدت 15 سال وکالت املاک او را به عهده داشت اما در اواخر عمر از کار بر کنار شد. این شاعر ایرانی علاوه بر شعر در زمینه های خط، فصاحت و بلاغت مشهور عصر خود بود. از وی دیوان شعر بصورت خطی باقیست.

درگذشت مکتفی عباسی در سال 295 هجری قمری

ابومحمد، علی بن معتضد، معروف به المکتفی بالله (المکتفی)، هفدهمین زمامدار عباسی است، که به منصب خلافت مسلمانان دست آزد.

وی، پیش از خلافت، در اواخر خلافت پدرش معتضد عباسی، حکومت "رقه" را بر عهده داشت و پس از وفات پدرش در 23 ربیع الثانی سال 289 قمری، به بغداد رفت و خلعت خلافت را پوشید.

مکتفی عباسی، به مدت شش سال و شش ماه در رأس خلافت اسلامی قرار داشت و سرانجام درد سختی در شکمش پدید آمد و از این باب، متحمل رنج بسیار بود، به طوری که از شدت درد و ناراحتی، عقل و هوش خود را از دست داد و قدرتمندان دستگاه خلافت، از این امر سود جسته و در صدد تغییرش برآمدند و محمد پسر معتمد عباسی را کاندیدای خلافت، نموده و از او پیمان محکم وفاداری گرفتند. اما هنگامی که به نزد مکتفی برگشتند، او را به سلامت یافتند و در نتیجه، خلافتش استمرار یافت و محمد بن معتمد عباسی از دست بابی به خلافت محروم ماند.

ولی آن بیماری جانگاہ، مکتفی را رهايش نکرد و از آغازین روزهای ماه ذي قعدة سال 295 قمری بر شدتش افزوده شد، به طوری که وی امیدی به ادامه زندگی خویش نیافت. بدین منظور درباریان و سردمداران خلافت را حاضر ساخت و ولایت عهدی خویش را به برادرش ابوالفضل، جعفر بن معتضد، معروف به مقتدر عباسی واگذار کرد.

مکتفی عباسی در 31 سالگی و در هفدهم ذي قعدة سال 295 قمری، در بغداد وفات یافت و در خانه محمد بن عبدالله بن طاهر به خاک سپرده شد.

تولد شیخ محمد حسین نائینی در سال 1276 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

او در 17 ذیقعدة سال 1276 هجری قمری در شهر نائین، و در يك خانواده روحانی چشم به جهان گشود و نشو و نماي خود را تحت تربیت پدرش حاج میرزا عبدالرحیم از فامیل بزرگ منوچهری، آغاز کرد.

تحصیلات :

تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود، نائین اصفهان به انجام رساند و در پی گیری سطوح عالی و خارج، به حوزه نجف رهسپار گردید.

اساتید :

وی در ردیف شاگردان نامدار میرزا محمد حسن شیرازی بزرگ و مرحوم سید محمد اصفهانی قرار گرفت و در درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به عنوان ادب و احترام حضور به هم رساند، نه از باب تعلم و تلمذ. شاگردان :

علامه نائینی عنایت خاصی نسبت به شاگردان خود داشته و اهتمام کامل در تربیت و پرورش آنان بذل می نمود با وجود این آثار او همیشه باقی و جاوید است در اینجا ما به ذکر اسامی تنی چند از مشاهیر تلامذه ایشان از باب تبرک اکتفا می کنیم.

- 1 - سید جمال الدین گلپایگانی
- 2 - سید محمود شاهرودی
- 3 - شیخ موسی خوانساری
- 4 - شیخ محمد علی کاظمی خراسانی
- 5 - سید محمد حجت کوه کمری
- 6 - سید محسن طباطبائی حکیم
- 7 - سید محمد حسین طباطبائی
- 8 - سید ابوالقاسم خویی

تألیفات :

از تألیفات آن مرحوم در فقه و اصول که به طبع رسیده است، می توان از رساله (لباس مشکوک)، (رساله لاضرر) و کتاب (وسيلة النجاة) نام برد.

خصوصیات اخلاقی :

میرزای نائینی، توجه خاصی به تربیت نفس و تهذیب و آراستن آن به انواع فضایل اخلاقی داشت، نماز شب ایشان هیچ گاه ترك نمی شد، نه در حضر، و نه در سفر، ایشان در درجه اعلی از وارستگی و تقوی و صلاح و ارشاد و اخلاص بود، گویا همه چیز در آن وجود جمع گشته بود.

در طول سالیان خدمتگزاری به جهان علم و مقام روحانیت، فردی از ایشان يك كلمه ناشایست نشنیده بود او فردی نبود که حق کسی را ضایع کند یا بی توجه به حقوق دیگران باشد هرگز اوقات گرانبهایش را بیهوده صرف نمی نمود، او یا مشغول مباحثه مسائل علمی بود، و یا با شرح صدر و گشاده رویی در میان مردم به گفت و شنود و رسیدگی به نیازها و مشکلات آنان اشتغال داشت، همیشه در مصرف، اقتصاد را رعایت می نمود و در صرف بیت المال مسلمانان، روش زهد و تقوی و صرفه جویی را داشت تا آنجا که مقدور بود، از سهم مبارك امام (علیه السلام) و سایر حقوق شرعیه استفاده خصوصی نکرده و هزینه زندگی شخصی را از درآمدهای خویش تأمین می نمود.

مقام علمی :

مرحوم میرزای نائینی در اثر اطلاعات وسیع در علوم ریاضی، حکمت و فلسفه و عرفان، و احاطه به کلیات فقه، امتیازات خاصی میان علمای نجف اشرف داشت ایشان علم اصول را با دقت تام و جدیت خاص، به طور منظم و خالی از اعوجاج و پیچیدگی، تهذیب و تنقیح نمود که مطلعین این فن، وی را در این امر ستوده و استادی او را در این فن پذیرا شده اند.

دوران :

آن روزی که مردم مسلمان ایران زیر پای شاهزادگان و درباریان قاجار در اطراف و اکناف کشور، پامال بودند و ملوک و پادشاهان و فرمانروایان، مالکین رقاب مردم بی پناه بودند، و مردم بی دفاع از خود صاحب اختیار و حرکتی نبودند و عین الدوله ها و شمس الملوكها، شاه ناتوان و بی اراده را آلت دست خودخواهی و هوس بازی خویش قرار داده و تركتاری را به حد اعلای خود رسانده بودند در آن شرایط خفقان و خودسری، تنها علمای بزرگ دینی بودند که ناله های مردم را از دور و نزدیک می شنیدند و می توانستند كمکی به حال آنان انجام دهند آن چنان که در تهران و تبریز و سایر شهرها و بلاد، علما به ناله های مردم پاسخ مثبت داده و خواهان اجرای قانون و نظم بر گیرنده عدالت و قسط اسلامی شدند به تعبیر مرحوم طالقانی : فرهنگ و معلومات لازم در آن روزگار آن چنان در مردم ضعیف بود که اگر ازعموم مردم می پرسیدند چه می خواهند؟ نمی توانستند جواب روشن و یکسان بدهند گاهی می گفتند باید قوانین وضع و تدوین گردد و حدود تعیین شود، و گاهی تأسیس (عدالت خانه) یعنی محل مراجعه و دادرسی عمومی را می طلبیدند، ولی آنچه مورد اتحاد و اتفاق كلمه بود، يك چیز بیشتر نبود و آن جلوگیری از خودسری و استبداد و تنظیم قانون و نظام نامه، به عبارت دیگر مشروطیت بود.

آری در چنین روزگار سیاه و خفقان بود که آیت الله نائینی، آن فقیه دلسوز و آگاه، کتاب شریف (تنبيه الامة و تنزيه الملة) را نوشت و انواع استبداد و خودسری و حکومت خودکامه پادشاهان مستبد را با منطق و حکمت، نشان داد و وظایف علما و فقها را نسبت به دین و اوضاع جاری بیان نمود و با تبیین فصول مختلف عهدنامه مالك اشتر حدود و اختیارات حاکم و حکومت اسلامی را نشان داد و این کتاب با حاشیه و تقریظ دو تن از مراجع بزرگ و استوانه های فقه و فقاقت آن روز، زینت یافت و همانند دستورالعمل و بیانیه حکومت اسلامی تلقی گردید.

تبعید مراجع شیعه به ایران :

در سال 1341 هـ ق، (ملك فيصل) که قصد انجام انتخابات و تأسیس مجلس شورای ملی را داشت، از فعالیت های انتخاباتی علمای شیعه، سخت به زحمت افتاد، چون اعتقاد علمای شیعه بر این بود که انتخابات زیر نظر روحانیت صورت

گیرد و نسبت به شیعیان عراق که دو ثلث ملت عراق را تشکیل می دادند، توجه بیشتری شوداما ملک فیصل زیر بار نمی رفت، لذا شیخ مهدی خالصی که از علمای بزرگ عراق مقیم کاظمین بود، حکم تحریم انتخابات را صادر نمود این حکم را مرحوم نائینی و سپس سید ابوالحسن اصفهانی (ره) امضا نمودند و در اثر امضای این دو بزرگوار، سر و صدای عجیبی در عراق بر پا شد و دولت عراق تصمیم گرفت شیخ مهدی خالصی و سایر روحانیون طراز اول و سرشناس را که مؤثر در این امر بودند، به ایران تبعید کند.

در اواخر سال 1341 هـ ق، تحت اقدامات و پوششهای نظامی، تبعید علما به طرز فجیع صورت گرفت میرزای نائینی، اصفهانی، خالصی و جمعی دیگر از اصحاب و شاگردان میرزای نائینی، مانند: آقا سید جمال الدین گلپایگانی، سید حسن تهمانی بیرجندی، آقا سید حسن بحرالعلوم و آقا شیخ اسدالله زنجانى و جمعی دیگر از بستگان نائینی به سوی ایران تبعید و اخراج گردیدند.

مردم متدین و مبارز ایران، تا از خبر ورود علما و مراجع اطلاع یافتند، بی درنگ به استقبال آنان شتافتند، در قصر شیرین، کرمانشاه، همدان و قم، استقبال عظیمی از این قافله تبعید شده علم و فضیلت به عمل آمد میرزای نائینی مدتی در کرمانشاه اقامت گزید و پس از چندی، به سوی همدان حرکت کردند و مدتی در آنجا به سر برده و سپس وارد قم گردیدند میرزای نائینی در مدت ده ماه توقف خویش در قم، به تدریس و امامت جماعت اشتغال ورزیدند قریب يك سال پس از تبعید مراجع، درست در سال 1342 هجری قمری بود که ملک فیصل در اثر فشار مردم مسلمان عراق، توسط نمایندگان خود از علما عذر خواهی کرد و در خواست باز گشت مجدد آنان را به عراق نمود علما نیز برای خالی نگذاشتن حوزه علمیه نجف، و ادامه مبارزات مردم مسلمان، تصمیم بر مراجعت گرفتند.

وفات :

او پس از آن همه خدمات به جهان علم و تقوی، و پس از عمری زحمت و کوشش در راه تعلیم و تربیت شاگردان مکتب توحید و قرآن، شمع وجود این عالم ربانی و فقیه نامدار اسلام، در 26 جمادی الاول سال 1355 هـ ق، مطابق با 24 مرداد 1315 هـ. ش به رحمت حق پیوست و ممالک اسلامی را عموماً، و ایران، عراق و پاکستان را خصوصاً در سوگ خود گریاند و جهان اسلام فقیه بزرگواری را از دست داد.

رحلت شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه در سال 1355 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

حاج شیخ عبدالکریم حائری فرزند مرحوم محمد جعفر مهر جردی، در سال 1276 هجری قمری در میبد یزد چشم به جهان گشود پدر وی کشاورز پرهیزکار و پارسایی بود.

تحصیلات :

او مقدمات و سطوح را نزد علمای آن روز یزد فرا گرفت بعد از آن برای ادامه تحصیل راهی عتبات عالیات شد و از محضر اساتید بزرگی در حوزه علمیه سامرا و نجف اشرف بهره مند شد.

اساتید :

او از محضر اساتید بزرگی همچون :

1- سید محمد فشارکی اصفهانی.

2- میرزای شیرازی.

3- شیخ فضل الله نوری.

4- میرزا ابراهیم محلاتی.

5- آخوند خراسانی (ره).

کسب علم نموده است.

تدریس :

وی پس از سامرا و نجف به کربلا مشرف شد و در آنجا حوزه تدریس بر قرار ساخت و به پرورش و تربیت طلاب و دانش پژوهان پرداخت .

شاگردان :

شاگردان بر جسته ایشان از 80 تن تجاوز می کنند که ما تنها چند نفر از آنان را تبرکا نام می بریم .

1 - حاج سید روح الله خمینی

2 - حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

3 - آخوند ملا علی معصومی همدانی

4 - حاج سید محمد رضا گلپایگانی

5 - سید کاظم شریعتمداری

6 - سید شهاب الدین مرعشی نجفی

7 - سید احمد لواسانی

8 - سید احمد زنجانى

- 9 - سید صدر الدین صدر
- 10 - سید محمد حجت
- 11 - میرزا هاشم آملی
- 12 - سید احمد خوانساری
- 13 - فاضل لنکرانی
- 14 - سید یحیی یزدی

تألیفات :

از آثار ایشان می توان کتابهای زیر را یاد نمود :

- 1 - تقریرات درس استاد بزرگوارش، مرحوم فشارکی.
- 2 - درر الفوائد، در اصول فقه.
- 3 - کتاب الرضاع، در مورد احکام شیر دادن.
- 4 - کتاب الصلوة.
- 5 - کتاب المواريث، در مورد ارث و احکام آن.
- 6 - کتاب النکاح.

خصوصیات اخلاقی :

مرحوم حاج شیخ از جمله عاشقان و عارفان مقامات اهل بیت عصمت (علیهم السلام) بود، طوری که با ذکر نام ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) اشک از دیدگانش سرازیر می شد دستور داده بود که همیشه قبل از شروع درس چند دقیقه ای روضه خوانده شود گاه در ایام عاشورا، خود آن مرحوم میان عزاداران می رفت و مرثیه می خواند.

سه نکته جالب از خصوصیات اخلاقی ایشان :

1 - توجه به حقوق همسر : او در زندگی به مسائلی توجه داشت که معمولاً از دیدگاه اغلب افراد، مورد غفلت و بی توجهی قرار می گیرد فی المثل قبل از اختیار همسر دوم، همسر اولی داشت که بینایی خود را از دست داده بود، ولی آن مرحوم به صورتی که توجه افراد عائله را بر نیانگیزاند، از توجه و رعایت حقوق او هرگز غفلت نداشت و حتی از مرحوم فرید اراکی شنیده شده که او مشاهده کرده بود، بارها با آن سن و سال و موقعیت، در موقع نیاز او را به کول می گرفته است و به عنوان رفع نیازهای ضروری و تغییر محل، به این طرف و آن طرف یا گاهی در تابستان در هوای گرم قم به پشت بام می برده است، به صورتی که خانم و دختران آگاهی و اطلاع پیدا نمی کردند تا طبق معمول خصوصیات روحی زنان، تحریک نگردد.

2 - ایثار به دیگران : مرحوم سید محمد فشارکی، با همه علم و فضیلت و بزرگواری که داشت، در کمال فقر و نیاز مادی زندگی می کرد که مرحوم شیخ در دوران طلبگی چندین سال تکفل خرج او و پس از رحلت او تکفل خرج فرزندان او را بر عهده داشت و از در آمد اندکی که پیدا می کرد، آنان را بر خویشتن ایثار و مقدم می شمرد، در صورتی که خود کمال نیاز را داشت.

3 - گرسنگی خانواده در شب رحلت مؤسس حوزه علمیه قم که این مطلب را از بیان آقا زاده ایشان بشنویم : حقیقت این است که والد ما در صرف وجوه شرعیه معیارهای خاصی را در نظر می گرفت و ویژگی هایی داشت پولها و وجوه شرعی را در مراکز خاصی نگهداری می کردند، بی آنکه در مصارف شخصی خودمان صرف نمایند و قبل از فوت موارد آنها را تعیین و با کمال روشنی مصارف آنها را مشخص کرده بودند و احدی را حق دخالت در آنها نبوده است، در روز رحلت ایشان در مضیقه بودیم، تا اینکه پنجاه تومان از آقای سید ابوالفضل زنجانی قرض گرفتیم تا در راه مخارج شخصی خود صرف کنیم و سپس با فضل الهی گشایش در امور زندگی ما پدید آمد.

دوران :

طرح مساله (متحد الشكل شدن البسه) از سوی حکومت وقت چیزی جز يك توطئه علیه مکتب امام صادق (علیه السلام) نبود مأموران رژیم هر چند وقت يك بار به این بهانه به مدرسه حمله می بردند و عمامه را از سر ارباب عمام بر می داشتند اما در چنین شرایطی طلاب به تحصیل علوم دینی ادامه دادند و حوزه را زنده نگه داشتند، و بدون شك این امور قلب آن بزرگ مرد را سخت جریحه دار می ساخت، ولی چون حوزه جدید تأسیس بود، چاره ای غیر از صبر و شکیب و برد باری نمی یافت. توطئه کشف حجاب : پس از توطئه متحد الشكل شدن البسه، برنامه استعماری کشف حجاب و اهانت به ساحت نوامیس مسلمین از طرف رضا خان مزدور، به اجرا درآمد.

نوشته اند که وقتی آیت الله حائری از این توطئه خطرناک مطلع شدند، به قدری بر آشفتند که با اضطراب و نگرانی فزون از حد به رگهای گلوی خود اشاره کردند و گفتند : (تا پای جان باید ایستاد و من هم می ایستم ناموس است، حجاب است، ضروری دین و قرآن است).

فعالیت و خدمات :

در یکی از سال هایی که قحطی سایه شوم خود را بر کشور افکنده و فقرا در سختی به سر می بردند، (دار الاطعامی) تأسیس کرد که دائماً فقرا را اطعام می نمود.

دیگر از خدمات ارزنده ایشان تأسیس مریم خانیه ای برای بیچارگان و فقرا بود که پس از مدتی که توسط افراد نیکوکار، مقداری پول جمع آوری شد، و به پیشنهاد مرحوم حاج شیخ، بیمارستان فاطمی را ساختند ساختن (قبرستان نو) در کنار

رودخانه، و هم چنین تعمیر دو مدرسه علمیه (دارالشفاء) و (فیضیه) و تأسیس کتابخانه مدرسه فیضیه از فعالیت های ارزشمند ایشان می باشد.

سرانجام در سال 1340 هجری قمری حوزه علمیه، توسط آیت الله حائری در شرائطی دشوار به طور رسمی در قم تأسیس می شود مشکلات حوزه در آن زمان به اندازه ای بود که اگر الطاف خداوند و همت و فعالیت و پشتکار آن مرد الهی نبود، بی هیچ گمان نشان و اثری از آن باقی نمی ماند توطئه هایی که رضا خان برای انحلال حوزه تدارک دید و جنایت هایی که بر اسلام و روحانیت روا داشت، هر کدام به تنهایی برای نابودی حوزه کافی بود در آن دوران سپاه خفقان، مرحوم حاج شیخ با استقامت و هوشیاری و با خون دل خوردن، حوزه را حفظ کرد.

مسافرت :

در سال 1332 هجری قمری، بنا به دعوتی که از ایشان شده بود، به اراک مهاجرت کرد و در آنجا حوزه ای بنیان گذاشت و مدت 8 سال در آنجا به پرورش فضلا و طلاب علوم دینی پرداخت در آن مدت اقامت در اراک به قصد زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) سفری به قم نمودند که در همین مسافرت بحث از ماندن ایشان و تأسیس حوزه علمیه به میان می آید ولی برای ایشان این امر تا اندازه ای مشکل می نمود که حوزه را از اراک انتقال دهند، ولی با اصرار علما و از جمله مرحوم آیت الله بافقی که ایشان را به روایات منقول از امامان تذکر دادند و اینکه در آخر الزمان، قم مرکز علم و دانش خواهد شد و چه بهتر که توسط شما انجام گیرد ایشان موافقت می کنند، ولی برای اطمینان خاطر، بنا را بر استخاره می گذارند این قسمت از آیه می آید که: (واتونی باهکم اجمع، خود و تمام خانواده و فامیل را به اینجا بیاورید) آیه را که برای مردم تلاوت می کنند، موج شادی و خرسندی در بین آنان پیدا می شود و به انتظار آن روز فرخنده هجرت می نشینند.

وفات :

شیخ عبدالکریم حائری پس از آن همه خدمات ارزنده و آثار باقیه و صالحه که از خود به یادگار گذاشتند، و پس از تحمل آن همه رنج ها و سختی های توان فرسا، دچار ضعف و کسالت شدند تا سر انجام در شب هفدهم ذی القعدة 1355 هجری قمری با 83 سال عمر پر برکت در قم، به لقا الهی پیوست مردم متدین قم با شنیدن این خبر تأسف انگیز، شیون کنان به خیابانها ریختند و با گریه و زاری جنازه آن بزرگ مرد پارسا را پس از تشییع با شکوه در جوار حضرت معصومه (علیها السلام) مسجد بالا سر به خاک سپردند.

استعفای دولت شریف امامی در سال 1357 هجری شمسی

دولت شریف امامی در مقابل حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران بناچار در سال 1357 هجری شمسی استعفاء کرد. شریف امامی سرسپرده استعمار و از فراماسوئرهاي ایران در اوج انقلاب اسلامی دولتی به نام "آشتی ملی" تشکیل داد. او با وعده های فریبنده و دروغین خود نظیر تبدیل تقویم شاهنشاهی به هجری شمسی می کوشید که انقلاب اسلامی و ملت انقلابی را از راه خویش منحرف سازد. اما واقعه 17 شهریور چهره واقعی شریف امامی را آشکار ساخت و او بناچار استعفاء کرد.

سخنرانی امام خمینی(ره) برای محکوم کردن توطئه های داخلی و خارجی بر ضد جمهوری اسلامی ایران در سال 1358 هجری شمسی

حضرت امام خمینی(ره) در سال 1358 هجری شمسی با ایراد سخنرانی مهمی توطئه های داخلی و خارجی بر ضد جمهوری اسلامی ایران را محکوم کردند. این سخنرانی را امام راحل از اشغال لانه جاسوسی آمریکا بدست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ایراد فرمودند. حضرت امام در بخشی از سخنان تاریخی خویش فرمودند: "... باید بدانند که در ایران باز انقلاب است. انقلابی بزرگتر از انقلاب اول...". همچنین افزودند: "...باید ملتها، جوانهای برومند ما با کمال قدرت پیش بروند و از این توطئه ها اصلاً نترسند."

کشف خاصیت ضدپرتوی در برخی ازموارد طبیعی توسط محقق ایرانی در سال 1369 هجری شمسی

دکتر فرامرز آشوری محقق ایرانی در سال 1369 هجری شمسی در ژاپن موفق به کشف خاصیت ضد پرتوی در برخی از مواد طبیعی شد. دکتر آشوری با درجه فوق دکتری در رشته داروسازی و بیوشیمی پس از 14 سال تحقیق مستمر در این زمینه دارویی جدید بنام "الامیک اسید" کشف کرد. از این دارو برای پیشگیری از ضایعات ناشی از پرتوهای یون ساز از جمله ضایعات عصبی، عروق، مسمومیت کبدی، بیماری قند و ضایعات مربوط به بینایی و نیز درمان آنها استفاده می شود. این دارو همچنین بدن انسان را مقاوم می سازد.

درگذشت پی یردولاپلاس ریاضیدان فرانسوی در سال 1827 میلادی

پی یردولاپلاس ریاضیدان فرانسوی در سال 1827 میلادی درگذشت. لاپلاس از اهالی ژرماندی فرانسه بود و در پایان تحصیلات خود به تدریس ریاضیات مشغول شد. لاپلاس بیشترین سالهای عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در ریاضی، منظومه شمسی و ستارگان دنباله دار کرد. اولین اثر مهم لاپلاس چگونگی تشکیل عالم نام دارد که از مهمترین آثار او بشمار می رود.

مرگ میلیونها تن از مردم اروپا در اثر شیوع بیماری مسری آنفلوآنزا در سال 1918 میلادی

شیوع بیماری مسری آنفلوآنزا در سال 1918 میلادی میلیونها تن از مردم اروپا را به نیستی کشاند. شیوع بیماری به سرعت مردم کشورهای اروپایی را مبتلا ساخت و در اندک مدتی مرگ و میر ناشی از آنفلوآنزا در اروپا افزایش یافت. در مجموع بیش از 21 میلیون نفر از مردم در قاره اروپا حال خود را بر اثر ابتلاء به آنفلوآنزا از دست دادند. علت افزایش مرگ و میر ناشی از آنفلوآنزا نبود داروهای آنتی بیوتیک امروزی بود.